

Analyzing the role of drug trafficking in the spread of international terrorism

Hamed Golijani Moghaddam¹

Hosein Sharifi Tarazkoohi²

Mostafa Taghizadeh Ansari³

Saber Niavarani⁴

Type of article: A research article taken from a doctoral thesis

Received: 19/12/2023

Accepted: 04/02/2024

NAJA Strategic Studies Quarterly/Vol.9/NO.1 (serial 31)/Spring 2024*75-108



DOI:20.1001.1.25381946./SSJ.2024.102421

Abstract

Background and purpose: The connection between terrorism and drug trafficking, which is called narco-terrorism in contemporary research literature, creates many more destructive effects than each of its components. Although the international legal system has formulated a powerful legal method to deal with these two phenomena, in practice, these two phenomena are more connected than in the past, and the international community has witnessed the emergence of combined terrorist-narcotics groups. The main goal of the current research is to deal with the role of drug trafficking in the spread of international terrorism.

Method: The current research is applied in terms of type and based on the purpose, it is descriptive-analytical, and the subject has been investigated by referring to various sources, including related researches and studying legal documents, and by using a phishing tool.

Findings: Although the financing of terrorism caused by the terrorists' use of drug proceeds is the main function of drug trafficking in the spread of international terrorism; However, drugs contribute to the growth of terrorism from other aspects, such as providing services and support needs, weakening and destabilizing society, recruiting members, gaining popular legitimacy, and helping to incite members to carry out suicide operations.

Conclusion: Considering the multiple functions of drug trafficking in the spread of terrorism, it is necessary for governments to prioritize breaking the link between terrorism and drug trafficking while fully complying with national and international legal requirements against terrorism and drugs. And with cooperation and exchange of information, take steps in this direction under the leadership of the United Nations.

Keywords: drug trafficking, terrorism, financing, United Nations.

1. Doctoral student of International Law, Faculty of Law, Islamic Azad University, North Tehran Branch, Tehran, Iran, hamed.moghaddam1362@yahoo.com

2. Professor of International Law, Faculty of Law, AllamehTabatabai University, Tehran, Iran (corresponding author), hsharifit@yahoo.com

3. Professor of International Law, Faculty of Law, Islamic Azad University, North Tehran Branch, Tehran, Iran, Taghizadeh-Ansari@iau-tnb.ac.ir

4. Assistant Professor, Department of Law, Faculty of Law, Islamic Azad University, Research Sciences Unit, Tehran, Iran, sabberniavarani@gmail.com

واکاوی نقش قاچاق موادمخدر در گسترش تروریسم بین‌المللی

حامد گلیجانی مقدم^۱

حسین شریفی طراز کوهی^۲

مصطفی تقی‌زاده انصاری^۳

صابر نیاورانی^۴

نوع مقاله: مقاله پژوهشی برگرفته از رساله دکتری

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۹/۲۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۱۵

فصلنامه مطالعات راهبردی ناجا/سال نهم/ شماره ۱ (پیاپی ۳۱) - بهار ۱۴۰۳ * ۷۵-۱۰۸



DOI: 20.1001.1.25381946./SSJ.2024.102421

چکیده

زمینه و هدف: پیوند تروریسم و قاچاق موادمخدر که در ادبیات پژوهشی معاصر از آن با نام نارکو تروریسم یاد می‌شود، به مراتب آثار مخرب‌تری را نسبت به هریک از ارکان تشکیل‌دهنده خود ایجاد می‌کند. اگرچه نظام حقوق بین‌الملل، روش حقوقی قدرتمندی را در مقابله با این دو پدیده تدوین نموده است اما در عمل، این دو پدیده بیش از گذشته با یکدیگر پیوند خورده‌اند و جامعه جهانی شاهد ظهور گروه‌های ترکیبی تروریستی - موادمخدری بوده است. هدف اصلی در پژوهش حاضر، پرداختن به نقش قاچاق موادمخدر در گسترش تروریسم بین‌المللی است. **روش:** پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش، توصیفی - تحلیلی است و از طریق مراجعه به منابع مختلف، از جمله پژوهش‌های مرتبط و مطالعه اسناد حقوقی و با استفاده از ابزار فیش‌برداری مطالب مرتبط را جمع‌آوری نموده و سپس به توصیف و تبیین موضوع پرداخته است.

یافته‌ها: اگرچه تأمین مالی، اصلی‌ترین کارکرد قاچاق موادمخدر در گسترش تروریسم بین‌المللی است، اما موادمخدر از جنبه‌های دیگری همچون تأمین خدمات و نیازهای پشتیبانی، تضعیف و بی‌ثبات‌سازی جامعه، عضوگیری، کسب مشروعیت مردمی و کمک به تحریک اعضا با هدف انجام عملیات‌های انتحاری، به رشد تروریسم یاری می‌رساند.

نتایج: نظر به کارکردهای چندگانه قاچاق موادمخدر در گسترش تروریسم، ضرورت دارد که دولت‌ها ضمن پای‌بندی کامل به الزامات قانونی ملی و بین‌المللی ضد تروریسم و ضد موادمخدر، قطع پیوند تروریسم و قاچاق موادمخدر را در اولویت قرار داده و با همکاری و تبادل اطلاعات، به رهبری سازمان ملل متحد در این مسیر گام بردارند.

واژگان کلیدی: قاچاق موادمخدر، تروریسم، تأمین مالی، سازمان ملل.

۱. دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران شمال، تهران، ایران.

hamed.moghadam1362@yahoo.com

۲. استاد حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران (نویسنده

مسئول). hsharifit@yahoo.com

۳. استاد حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال، تهران، ایران.

Taghizadeh-Ansari@iau-tnb.ac.ir

۴. استادیار گروه حقوق، دانشکده حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات، تهران، ایران.

sabberniavarani@gmail.com

مقدمه

در معادله امنیت هر کشوری، مؤلفه‌ها و متغیرهای بسیاری اثرگذار است که برخی منشأ داخلی داشته و برخی نیز دارای منشأ خارجی هستند. در حال حاضر و در عصر جهانی‌شدن، بسیاری از شرایط بر دولت‌ها تحمیل می‌شوند و چالش‌های امنیتی شکل معماگونه‌ای به خود گرفته‌اند؛ به طوری که برخلاف گذشته، اکنون تهدیدهای غیرمستقیم، غیرسنتی و غیرنظامی از تهدیدهای مستقیم و نظامی اهمیت بیشتری یافته‌اند (عارفی مسکونی و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۱۱). تا قبل از حادثه ۱۱ سپتامبر، روند مبارزه جهانی با تروریسم و قاچاق موادمخدر به‌عنوان دو تهدید جدی برضد امنیت ملی و بین‌المللی، به‌صورت مستقل و جدا از یکدیگر دنبال می‌شد. تدوین ۱۳ کنوانسیون بین‌المللی و پروتکل‌های همراه، در کنار قطع‌نامه‌های ضد تروریسم شورای امنیت، به‌ویژه قطعنامه ۱۳۷۳ که در قالب فصل هفتم منشور سازمان ملل متحد تصویب شده‌است، روش حقوقی قدرتمندی را در نظام حقوق بین‌الملل برضد تروریسم ایجاد نموده‌است. اما بعد از حادثه ۱۱ سپتامبر، موضوع عوامل دخیل در گسترش تروریسم بین‌المللی بیش‌ازپیش مورد توجه قرار گرفت. در این میان، بسیاری از تحلیلگران بر ارتباط تروریسم و جرایم سازمان‌یافته فراملی به‌عنوان یک محرک بالقوه در تقویت و گسترش تروریسم بین‌المللی تأکید داشتند. امروزه، به‌خوبی اثبات شده‌است که گروه‌های تروریستی در طیف وسیعی از جرایم سازمان‌یافته فراملی از جمله قاچاق انسان، گروگان‌گیری، اخاذی، پول‌شویی، قاچاق منابع طبیعی، فساد، فحشا و مانند آن مشارکت دارند. دلیل اصلی مشارکت این گروه‌ها در جرایم مزبور، موضوع تأمین مالی تروریسم است. با تدوین کنوانسیون مقابله با تأمین مالی تروریسم (۱۹۹۹) و قطعنامه ۱۳۷۳ شورای امنیت، موضوع مقابله با تأمین مالی تروریسم به‌عنوان یک تعهد عام دولت‌ها موردشناسایی قرار گرفت و الزامات قانونی دولت‌ها مبنی بر منع تأمین مالی تروریسم باعث شد که بسیاری از گروه‌های تروریستی از حمایت‌های مالی دولت‌های حامی تروریسم محروم شده و در نتیجه، مداخله در جرایم سازمان‌یافته را به‌عنوان یک راهبرد مهم جهت تأمین مالی خود برگزیدند و در

میان جرایم سازمان‌یافته فراملی نیز بیشترین توجه گروه‌های تروریستی به قاچاق موادمخدر معطوف شد. تجارت بین‌المللی موادمخدر، بعد از تجارت سلاح، سودآورترین معامله جهانی است؛ از این‌رو، به دلیل سودآوری زیاد، در برخی از مناطق و کشورهای جهان، کارتل‌ها و شبکه‌های پیچیده و پیشرفته‌ای برای تولید، ترانزیت، قاچاق و درنهایت، تجارت این مواد شکل گرفته‌است. یکی از مناطق مهم در این زمینه، منطقه هلال طلایی در آسیاست که شامل ایران، افغانستان و پاکستان است (هنرجو و همکاران، ۱۴۰۱).

اگرچه نظام حقوق بین‌الملل با تصویب کنوانسیون‌های سه‌گانه ضد موادمخدر به‌ویژه کنوانسیون مقابله با قاچاق موادمخدر و مواد روان‌گردان (۱۹۸۸) روش حقوقی مناسبی را برای مقابله با قاچاق موادمخدر ایجاد نموده‌است اما سودآوری هنگفت تجارت موادمخدر و عدم پای‌بندی بسیاری از دولت‌ها به تعهدات مندرج در این کنوانسیون‌ها باعث شده‌است که تقریباً بسیاری از بازیگران جنایی، مداخله در قاچاق موادمخدر را در اولویت فعالیت‌های مجرمانه خود قرار دهند. مداخله گروه‌های تروریستی در قاچاق موادمخدر که در ادبیات پژوهشی معاصر با نام «نارکوتروریسم» یا «تروریسم موادمخدری» مورد توجه قرار گرفته‌است، باعث شده‌است که این گروه‌ها به یک گروه ترکیبی تروریستی - جنایی تبدیل شوند؛ فارق در آمریکای لاتین، طالبان در افغانستان و داعش در خاورمیانه، از این دست گروه‌های چندگانه به‌شمار می‌آیند. در افغانستان، طالبان با استفاده از درآمد ناشی از قاچاق موادمخدر، در ادوار مختلف، به درگیری نظامی با دولت مرکزی روی آورد و امروزه، با نفوذ داعش و درگیری‌های طالبان با این گروه، حاکمیت افغانستان با خطرات جدی‌تری نیز مواجه شده‌است (شریف‌زاده و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۹۷).

مشخص کردن یک تاریخ برای تولد تروریسم موادمخدری و ترکیب خشونت‌آمیز تجارت غیرقانونی موادمخدر و تهدیدهای سیاسی دشوار است. رئیس‌جمهور پرو در سال ۱۹۸۳ م. اولین بار این اصطلاح را با مرتبط‌ساختن شورش گروه مائوئیستی راه درخشان با تجارت موادمخدر مطرح ساخت و کمی بعد، این

اصطلاح درمورد بازوی نظامی گروه موادمخدر مدلین نیز به‌کار گرفته‌شد (جلالی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۳۰).

تروریسم و موادمخدر به‌شکلی طبیعی به‌هم مرتبط هستند. به‌همین ترتیب، خشونت ناشی از قاچاق موادمخدر به‌طور عمده در سایه پیوند میان این پدیده با تروریسم درک می‌شود (هاشمی و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۶۳) و با افزایش گروه‌های تروریستی و اقدامات تروریستی، تجارت موادمخدر نیز افزایش یافته‌است. درحقیقت، کشورهایی که با سطح بالاتری از تهدیدهای موادمخدری مواجه هستند، میزان بیشتری از ارتکاب اقدامات تروریستی را نیز تجربه می‌کنند. ارتباط این دو پدیده آنچنان روبه‌رشد بوده‌است که آنتونیو ماریا کاستا^۱ - رئیس پیشین دفتر مقابله با موادمخدر و جرم سازمان ملل متحد - در جریان نشست در سال ۲۰۰۴ در کابل، مبارزه با قاچاق موادمخدر را با جنگ برضد تروریسم برابر دانست (کنفرانس مقابله جهانی با موادمخدر افغانستان، ۲۰۰۴). موضوع تهدیدهای فزاینده ناشی از مشارکت گروه‌های تروریستی در جرایم سازمان یافته فراملی از نگاه شورای امنیت - به‌عنوان مهم‌ترین ارگان سازمان ملل در حفظ صلح و امنیت بین‌المللی - دور نمانده‌است و این شورا، ضمن صدور قطع‌نامه‌های ۲۱۹۵ در سال ۲۰۱۴ م. و ۲۴۸۲ در سال ۲۰۱۹ م. الزامات قانونی متعددی را در راستای مقابله با سودبردن گروه‌های تروریستی از این جرایم مقرر نموده‌است. اگرچه پیوند ناگسستنی تروریسم و اشکال مختلف جرایم سازمان یافته همچون گروگان‌گیری، اخاذی، آدم‌ربایی، قاچاق انسان، قاچاق منابع طبیعی و مانند آن حائز اهمیت است اما از آنجاکه موضوع اثرگذاری و کارکردهای قاچاق موادمخدر بر گسترش تروریسم بین‌المللی در پژوهش‌های داخلی مورد توجه قرار نگرفته‌است، بنابراین، نگارنده به‌منظور رفع خلأ پژوهشی و با روش توصیفی - تحلیلی و استقرایی بر این امر اهتمام ورزیده‌است؛ براین اساس، دغدغه اصلی پژوهش حاضر، پاسخ‌گویی به این سؤال مهم است که با توجه به افزایش جرایم سازمان یافته، چرا مشارکت در قاچاق

موادمخدر به اولویت اول فعالیت‌های مجرمانه سازمان‌یافته گروه‌های تروریستی تبدیل شده‌است؟

پیشینه

درخصوص عنوان مقاله حاضر - یعنی نقش قاچاق موادمخدر در گسترش تروریسم بین‌المللی - تاکنون شاهد نگارش پژوهشی در کشور نبوده‌ایم اما درخصوص پدیده نارکوتروریسم - که از لحاظ مفهومی به پیوند تروریسم و قاچاق موادمخدر اشاره دارد - شاهد پژوهش‌های اندکی بوده‌ایم. در زیر به پژوهش‌های صورت‌گرفته در این حوزه اشاره می‌شود:

گلیجانی مقدم و همکاران (۱۴۰۰) در مقاله‌ای با عنوان «مقابله با نارکوتروریسم در حقوق بین‌الملل» به ابعاد حقوقی مقابله با نارکوتروریسم از منظر حقوق بین‌الملل پرداخته و نتیجه می‌گیرند که مبتنی بر قطع‌نامه‌های ۲۱۹۵ و ۲۴۸۲ شورای امنیت، قطع پیوند میان تروریسم و قاچاق موادمخدر و ترکیب‌سازی روش‌های حقوقی بین‌المللی ضد تروریسم، ضد موادمخدر و ضد جرایم سازمان‌یافته فراملی در اولویت تعهدات دولت‌ها در مقابله با نارکوتروریسم است.

گلیجانی مقدم و همکاران (۱۴۰۲) در پژوهشی با عنوان «نگرشی بر برآیندهای پیوند میان گروه‌های تروریستی و گروه‌های مجرمانه سازمان‌یافته فراملی» به واکاوی ماهیت شکل‌گیری، دامنه، محتوا و اشکال ارتباطات گروه‌های تروریستی و گروه‌های مجرمانه سازمان‌یافته پرداخته و نتیجه می‌گیرند که ماهیت شکل‌گیری ارتباطات دو گروه مبتنی بر منافع متقابل است و دامنه این پیوند در سراسر جهان ثابت نبوده و متغیر است.

آیشوریا سینگ^۱ (۲۰۲۴) در مقاله‌ای با عنوان «نارکوتروریسم: تهدیدی نوظهور علیه امنیت ملی در جامو و کشمیر» به موضوع تهدیدهای گروه‌های نارکوتروریستی فعال در جامو و کشمیر پاکستان ضد امنیت ملی هندوستان پرداخته و نتیجه می‌گیرد که فعالیت‌های گروه‌های نارکوتروریستی در این

مناطق، چالش‌های بسیاری را برای امنیت، ثبات و توسعه سیاسی، اقتصادی و اجتماعی هندوستان به‌همراه داشته‌است و تقابل با چنین تهدیدی، فقط با همکاری تمام دولت‌ها و اجرای یک رویکرد هماهنگ امکان‌پذیر است.

ماکوتو میناکاوا^۱ (۲۰۲۳) نویسنده ژاپنی مقاله «تروریسم و قاچاق موادمخدر: معضلی در چارچوب بین‌المللی کنترل موادمخدر» معتقد است که اگرچه کنوانسیون‌های سه‌گانه ضد موادمخدر، روش حقوقی مناسبی را برای مقابله با موادمخدر ایجاد کرده‌اند اما این اسناد نتوانسته‌اند مانع پیوند قاچاق موادمخدر با سایر جرایم سازمان‌یافته به‌ویژه تروریسم شوند و در واقع، به‌منظور مقابله با این پیوند، باید ظرفیت‌ها و قابلیت‌های کاربرد فراموضوعی این کنوانسیون‌ها مدنظر قرار گیرد.

آنا آگوئیلا^۲ (۲۰۲۲) در مقاله خود با عنوان «پیوند میان تروریسم و قاچاق موادمخدر در آفریقا» با تمرکز بر دو گروه نارتوروریستی بوکوحرام در نیجریه و شاخه القاعده در مغرب اسلامی به این نتیجه رسیده‌است که قاچاق موادمخدر، اصلی‌ترین منبع تأمین مالی این دو گروه بوده و با توجه به فقر، فساد گسترده و استانداردهای پایین حقوق بشری در کشورهای آفریقایی، این کشورها محیط مناسبی برای رشد نارتوروریسم به‌شمار می‌روند و باید یک رویکرد جامع ترکیبی و چندوجهی از سوی این دولت‌ها در مقابله با این پدیده اتخاذ شود.

وجه تشابه پژوهش حاضر با پژوهش‌های پیشین، در پذیرفتن وجود پیوند میان تروریسم و قاچاق موادمخدر به‌عنوان یک تهدید جدی ضد صلح و امنیت ملی و بین‌المللی است؛ اما آنچه که پژوهش حاضر را از پژوهش‌های پیشین متمایز می‌سازد، تمرکز نگارنده بر جنبه‌هایی است که به‌موجب آن، قاچاق موادمخدر توانسته است در رشد تروریسم بین‌المللی تأثیرگذار باشد. به‌عبارت‌دیگر، پژوهش‌های پیشین فقط بر وجود پیوند میان تروریسم و قاچاق موادمخدر، اشکال و ماهیت شکل‌گیری این پیوند و مقابله با آن و همچنین،

1. Makoto Minakawa
2. Ana Aguilara

شناسایی مهم‌ترین گروه‌های نارکوتروریستی توجه داشته‌اند اما نوآوری پژوهش حاضر، از این منظر است که بر چگونگی کارکرد قاچاق موادمخدر در رشد تروریسم (و نه فقط وجود پیوند و اشکال و ماهیت آن) تمرکز نموده‌است و این امری است که در پژوهش‌های پیشین به آن پرداخته نشده‌است.

مبانی نظری

تروریسم و قاچاق موادمخدر از حیث مفهومی کاملاً با یکدیگر متفاوت‌اند. در ساده‌ترین تعریف، تروریسم به‌معنای ارتکاب اقدامات خشونت‌آمیزی است که از سوی گروه‌های تروریستی و حامیانشان با هدف ایجاد رعب و وحشت در جامعه به‌منظور دستیابی به اهداف سیاسی یا عقیدتی صورت می‌گیرد. درمقابل، قاچاق موادمخدر فرآیندی است که مراحل چندگانه کاشت، برداشت، انبارداری، پالایش، حمل‌ونقل، توزیع و فروش در سطح خیابان را شامل می‌شود. تأمین مالی اصلی‌ترین نیاز گروه‌های تروریستی است. بعد از جنگ سرد، بسیاری از دولت‌ها حمایت مالی خود از گروه‌های تروریستی را متوقف کردند و این امر باعث شد که این گروه‌ها منابع تأمین مالی خود را گسترش دهند. درحال حاضر، این گروه‌ها بسیاری از درآمد خود را از طریق مشارکت در فعالیت‌های مجرمانه، به‌ویژه موادمخدر، به‌دست می‌آورند و آن‌چنان‌که در گزارش کنگره آمریکا در سال ۲۰۱۰م. مورد تأکید قرار گرفته‌است، همکاری میان گروه‌های تروریستی و مجرمان موادمخدر به‌شدت درحال گسترش است (رولینس و وایلر، ۲۰۱۲: ۷).

در پاسخ به این سوال که قاچاق موادمخدر چه نقشی در رشد تروریسم بین‌المللی ایفا کرده‌است، تمامی تحلیل‌گران بر موضوع تأمین مالی تروریسم اتفاق نظر دارند. سود عظیم حاصل از قاچاق موادمخدر موجب شده‌است که گروه‌های تروریستی به‌راحتی از آن صرف‌نظر نکرده و آن را اولویت اصلی در تأمین منابع مالی خود قلمداد کنند. اما آنچه که ذهن را به خود مشغول می‌سازد، این پرسش است که تمامی اشکال جرایم سازمان‌یافته فراملی (مانند

گروگان‌گیری، اخاذی، پول‌شویی، قاچاق انسان و منابع طبیعی و مانند آن) همگی فعالیت‌های مجرمانه سودآوری هستند که تاحدزیادی قادر به رفع نیازهای مالی گروه‌های تروریستی هستند؛ پس چرا گروه‌های تروریستی تا این اندازه به قاچاق موادمخدر روی آورده‌اند؟ به اعتقاد پائول رکستون، چند ویژگی خاص قاچاق موادمخدر، درقیاس با سایر جرایم سازمان‌یافته، باعث شده‌است که گروه‌های تروریستی تمایل بیشتری به مشارکت در قاچاق موادمخدر داشته باشند: اول، قاچاق موادمخدر درقیاس با سایر فعالیت‌های مجرمانه مانند باج‌گیری، اخاذی، سرقت و مانند آن، از قابلیت درآمدزایی بالاتری برخوردار است و هرچقدر میزان منابع مالی گروه‌های تروریستی بیشتر باشد، ارتکاب اقدامات تروریستی آسان‌تر خواهد بود. دوم، ارتکاب جرایمی مانند سرقت، اخاذی و فحشا با تنفر و انزجار عمومی بسیار بالایی همراه است و این درحالی‌است که گروه‌های تروریستی به‌شدت نیازمند مشروعیت و مقبولیت عمومی نزد پیروان خود هستند؛ حال آنکه، قاچاق موادمخدر از انزجار عمومی کمتری برخوردار است و حتی در برخی از موارد، توجیه‌پذیر است؛ به‌عنوان مثال، طالبان در ابتدا، کشت موادمخدر را مغایر شریعت اسلامی اعلام نمود اما بعدها با این توجیه که می‌تواند به‌عنوان ابزاری برای تضعیف جوامع کفار مورد استفاده قرار گیرد، آن را مباح اعلام کرد. باید به این واقعیت نیز توجه کرد که درصد زیادی از مردم دنیا مصرف‌کننده موادمخدر هستند؛ بنابراین، قاچاق موادمخدر درقیاس با سایر جرایم، با نفرت عمومی کمتری مواجه است. سومین دلیل این است که به نسبت سایر فعالیت‌های مجرمانه از جمله اخاذی، گروگان‌گیری، قاچاق سلاح و مانند آن، تجارت موادمخدر از این منظر که طیف وسیعی از بازیگران غیرقانونی از جمله کشاورزان، متصدیان حمل‌ونقل، قاچاقچیان و مصرف‌کنندگان نهایی درگیر آن هستند و نیز با تأکید بر ساختار سلولی و شبکه‌ای سازمان‌های تروریستی و همچنین، تعاملات فزاینده میان سازمان‌های تروریستی و گروه‌های قاچاق موادمخدر، از امنیت بیشتری برخوردار است. چهارم، قاچاق موادمخدر درقیاس با سایر جرایم، از حیث مالی و درآمدزایی، از ثبات و قابلیت اتکا و اطمینان بیشتری برخوردار است؛ البته این که یک منبع

تأمین مالی غیرقانونی، قابل اطمینان است یا خیر، اغلب به عوامل جغرافیایی و انسانی بستگی دارد؛ به عنوان مثال، یک گروه تروریستی که نیازمند یک جریان درآمد مطمئن است و به تجارت موادمخدر اتکا دارد، نیازمند آن است که به منابع موادمخدر نزدیک تر باشد (به عنوان مثال، فارک به کوکائین کلمبیا و طالبان به خشخاش افغانستان) یا در امتداد مسیرهای حمل و نقل موادمخدر قرار داشته باشد (به عنوان مثال، پ.ک.ک در ترکیه یا نهضت اسلامی از پاکستان در مسیر بالکان) یا به جمعیت انبوهی از مصرف کنندگان موادمخدر دسترسی داشته باشد (مانند گروه‌های موادمخدر مکزیکی نسبت به جامعه آمریکا). به همین ترتیب، موضوع عوامل انسانی نیز در تأمین مالی گروه‌های تروریستی درگیر در تجارت موادمخدر بسیار با اهمیت است. پنجمین نکته این است که درآمدزایی بسیار بالای قاچاق موادمخدر موجب می‌شود که گروه‌های تروریستی کمتر به حامیان مالی خود وابسته باشند؛ چراکه این حامیان (کشورها و حامیان خصوصی) اغلب از کمک‌های مالی خود برای تأثیرگذاری بر ماهیت فعالیت‌های گروه‌های تروریستی استفاده کرده و آنها را به انجام یا انصراف از انجام کاری وادار می‌کنند و به همین خاطر، رهبران گروه‌های تروریستی چندان به زیر دین آنها رفتن، علاقمند نیستند (فریمن^۱، ۲۰۱۱).

به طور کلی، مداخله گروه‌های تروریستی در جریان تجارت موادمخدر و یا همکاری آنها با قاچاقچیان موادمخدر، نه تنها از لحاظ مالی، بلکه از جهات مختلفی می‌تواند برای آنها سودمند باشد و به این ترتیب، صلح و امنیت بین‌المللی را به مخاطره بیندازد. در اینجا به مهم‌ترین ظرفیت‌های قاچاق موادمخدر در رشد تروریسم بین‌المللی اشاره می‌شود:

الف. موادمخدر به مثابه منبعی مناسب جهت تأمین مالی تروریسم

تأمین مالی، نیاز اصلی گروه‌های تروریستی برای بقا و تداوم بخشیدن به فعالیت‌های غیرقانونی آنها - چه در عرصه داخلی و چه در عرصه فراملی - محسوب می‌شود. گروه‌های تروریستی در عمل، بدون منابع مالی ثابت و پایدار، قادر به ادامه فعالیت‌های خود در سطح گسترده نخواهند بود و رهبران

گروه‌های تروریستی نیز به‌عنوان بازی‌گردانان منطقی کاملاً به این موضوع واقف هستند. به‌طور کلی، سازمان‌های تروریستی پول موردنیاز خود را از منابع مختلفی تأمین می‌کنند که مهم‌ترین آنها به قرار زیر است:

۱. حمایت‌های مالی از سوی کشورها و سازمان‌های غیردولتی؛
۲. سرمایه‌گذاری‌های قانونی و کسب‌وکارهای مشروع؛
۳. کسب درآمد از طریق مشارکت‌های فردی و گروهی داوطلبانه به‌ویژه در جوامع داخلی که دارای اشتراکات قومی و مذهبی و مانند آن هستند؛
۴. مشارکت در فعالیت‌های غی قانونی مانند قاچاق موادمخدر، کلاهبرداری، قاچاق انسان، باج‌خواهی و اخاذی و مانند آن (شمس ناتری، ۱۳۹۴: ۲۷۷).

از آنجا که در میان فعالیت‌های مجرمانه، تجارت موادمخدر روش آسان‌تری برای درآمدزایی است، بنابراین، برای گروه‌های تروریستی جالب‌توجه‌تر است. این به‌آن معنی است که یک رابطه مستحکم بین گروه‌های تروریستی و قاچاقچیان موادمخدر وجود دارد و بدین ترتیب، نقش موادمخدر برای تروریسم از لحاظ یک منبع عالی تأمین مالی اهمیت بیشتری می‌یابد (دورناگول^۱، ۲۰۰۹: ۶۸). در مورد میزان کلی جریان‌های مالی بین‌المللی مرتبط با تجارت موادمخدر، هیچ‌گونه اتفاق نظری بین کارشناسان و تحلیل‌گران وجود ندارد. تروریست‌ها و قاچاقچیان موادمخدر با درک این واقعیت که تروریسم نیازمند منابع مالی است و قاچاق موادمخدر نیز نیازمند محافظت در برابر نیروهای دولتی است، در نهایت، دریافتند که مجبورند برای بقای خود با یکدیگر ارتباط و تعامل داشته‌باشند. بسیاری معتقدند که گروه‌های تروریستی تنها بخشی اندک از درآمدهای ناشی از تجارت موادمخدر را به‌دست می‌آورند؛ با این حال، این درآمد بخش زیادی از منابع مالی آنها را تأمین می‌کند (کلیمان^۲، ۲۰۰۹: ۳).

براساس آخرین گزارش دفتر مقابله با موادمخدر و جرم سازمان ملل که در سال ۲۰۲۳ منتشر شده است، در سال ۲۰۲۱ از هر ۱۷ نفر با سن ۱۵ تا ۶۴

1. Durnagol
2. Kleiman

سال، یک نفر مصرف‌کننده موادمخدر بوده‌است و به‌طور کلی، در این سال، ۲۹۶ میلیون نفر موادمخدر مصرف کرده‌اند (گزارش دفتر مقابله با جرم و موادمخدر، ۲۰۲۳) و میلیاردها دلار را نصیب مجرمان نموده‌اند. همچنین، براساس ارزیابی اتحادیه اروپا، گروه‌های جنایی در اروپا دست‌کم ۳۰ میلیارد یورو در سال ۲۰۲۲ به‌دست آورده‌اند.

ب. پشتیبانی و ارائه خدمات تخصصی به گروه‌های تروریستی ازسوی گروه‌های قاچاق موادمخدر

قاچاقچیان موادمخدر از دانش و مهارت کافی در زمینه شیوه‌های انتقال و حمل‌ونقل موادمخدر و سایر محموله‌های غیرقانونی خود برخوردار هستند و این مهارت‌ها می‌تواند توسط گروه‌های تروریستی به‌منظور جابه‌جایی و انتقال کالا و نیروهایشان مورد استفاده قرار گیرد. قاچاقچیان موادمخدر نیز در مقابل، می‌توانند از مهارت‌های تخصصی و فنون نظامی و دانش استفاده از موادمفجره و سلاح‌هایی که در اختیار تروریست‌ها قرار دارد، بهره‌مند شوند (رانا و کلئوپاترا، ۲۰۱۷: ۴). لزوم برخورداری از چنین دانش و مهارتی برای هر دوطرف بسیار حیاتی است؛ علاوه بر این، هر دو گروه نیازمند فناوری‌های نوین، خانه‌های امن، نیروهای مرزی فاسد و مانند آن به‌منظور تضمین امنیت مسیرهای قاچاق هستند و می‌توانند این موارد را مبادله کرده و یا به‌اشتراک بگذارند (ماکارنکو، ۲۰۰۴: ۱۳۳). همکاری نزدیک میان این دو گروه، آنها را قادر می‌سازد تا از هر شبکه و ارتباطاتی که تأمین‌کننده خدمات برای آنها باشد، استفاده کنند و به‌این ترتیب، تعاملات خود را افزایش داده و مهارت‌های خود را به‌اشتراک بگذارند (هاتچینسون^۱، ۲۰۰۲: ۴). با این توضیح، گروه‌های تروریستی و قاچاق موادمخدر از رهگذر همکاری با یکدیگر سود می‌برند و در این میان، عامل پیونددهنده این دو گروه، به‌طور حتم، موادمخدر است.

نمونه‌های بسیاری از این پیوندها میان گروه‌های تروریستی و قاچاق موادمخدر در سال‌های اخیر مشاهده شده‌است؛ به‌عنوان مثال، در فوریه سال ۲۰۰۳ برخی از اعضای سابق گروه فارک در کلمبیا، شهادت دادند که سه

شهروند ایرلندی وابسته به گروه تروریستی ارتش جمهوری خواه ایرلند، مدت‌ها مشغول آموزش روش‌های تروریستی این گروه به اعضای فارک بوده‌اند. درمقابل، فارک نیز در ازای دریافت این آموزش‌ها، محموله‌های بزرگی از کوکائین را جهت توزیع در اروپا در اختیار این گروه قرار داده‌است (چارلز^۱، ۲۰۰۲: ۷۳). دلیل اینکه چرا گروه‌های تروریستی و قاچاقچیان موادمخدر در زمینه پشتیبانی از یکدیگر دارای چنین پیوند قدرتمندی هستند، این است که نیازهای پشتیبانی آنها تقریباً مشابه است. آنها در هنگام قاچاق موادمخدر، دارای یک دشمن مشترک هستند و در عین حال، دارای دوستان مشترک نیز می‌باشند. مقامات فاسد در دولت، تبدیل به دوستان مشترک آنها شده‌اند و به آنها در مشروع‌سازی درآمدها کمک می‌کنند (جیت کائور^۲، ۲۰۱۵: ۵۱). نیاز گروه‌های تروریستی به خدمات و پشتیبانی، از مهم‌ترین چالش‌های گروه‌های تروریستی در تداوم حیات و ارتکاب عملیات‌های تروریستی محسوب می‌شود و همکاری با گروه‌های قاچاق موادمخدر، تا حدود زیادی، این نیاز ضروری را مرتفع می‌سازد.

ج. تضعیف جامعه و ایجاد بی‌ثباتی در کشورها از طریق گسترش مصرف

موادمخدر

از نظر سیاسی، گسترش روابط میان تروریست‌ها و قاچاقچیان موادمخدر، به ساختار کشوری که در آن فعالیت می‌کنند، بستگی دارد. کشورهای در حال توسعه که از تهدیدهای ناشی از فساد، بوروکراسی و نقض حقوق بشر رنج می‌برند، در مقایسه با کشورهای توسعه‌یافته بیشتر مستعد پذیرش گروه‌های تروریستی و قاچاقچیان موادمخدر هستند (دورناگول، ۲۰۰۹: ۹). قاچاق موادمخدر یک بی‌ثباتی کلی را در تمام کشورهای بی‌ثبات، بی‌نظم و پر از هستند، ایجاد می‌کند و در نتیجه، ایجاد محیطی بی‌ثبات، بی‌نظم و پر از هرج‌ومرج در این کشورها، در رشد و توسعه تروریسم بسیار موثر است (جیت کائور، ۲۰۱۵: ۵۱). بی‌ثباتی ناشی از قاچاق موادمخدر در جامعه، از جنبه‌های

1. Charles
2. Jeetkaur

مختلفی قابل بحث است؛ نخست، ورود حجم عظیمی از موادمخدر به جامعه، همه‌گیری اعتیاد را به همراه خواهد داشت و تأثیرات مخرب اجتماعی، اقتصادی و بهداشتی اعتیاد بر جامعه‌ای که به‌ویژه جوانان آن در دامان این پدیده خانمان‌سوز گرفتار شده‌اند، بر هیچ‌کس پوشیده نیست. چنین جامعه‌ای با نرخ بالای اعتیاد، به‌عنوان یک بازار بزرگ تقاضا عمل می‌کند و تازمانی که تقاضای گسترده برای مصرف موادمخدر در جامعه وجود دارد، عرضه پر سود این کالای غیرقانونی نیز ادامه‌دار خواهد بود و درنهایت، این گروه‌های نارکوتروریستی هستند که به‌عنوان بزرگ‌ترین قاچاقچیان موادمخدر دنیا، از این وضعیت سود خواهند برد.

ازسوی دیگر، در سطح داخلی، بسیاری از گروه‌های قاچاق موادمخدر در تلاش برای کنترل این اقتصاد سودآور، وارد رقابتی کاملاً خشونت‌آمیز شده و همواره در تلاش‌اند تا دیگری را از مسیر خارج نمایند و این رقابت‌های خشونت‌آمیز، یکی از عوامل اصلی ناامنی و سلب امنیت اجتماعی در بسیاری از مناطق جهان است. به‌عنوان مثال، نزاع‌های مرگبار کارتل‌های موادمخدر مکزیک با هدف سلطه بر تجارت موادمخدر، امنیت ملی این کشور را به شدت مورد تهدید قرار داده است. اعمال سیاست‌های سختگیرانه دولت‌ها در مبارزه با موادمخدر نیز در بسیاری از موارد، با واکنش منفی کشاورزانی همراه می‌شود که کشت موادمخدر تنها منبع امرار معاش آنها به‌شمار می‌رود و در این میان، قاچاقچیان موادمخدر نیز که کسب‌وکار آنها به شدت وابسته به تولید موادمخدر ازسوی همین کشاورزان است، عامدانه و از طریق توسل به خشونت، به مقابله با تلاش‌های دولت‌ها می‌پردازند. گروه‌های نارکوتروریستی، به‌ویژه طالبان در افغانستان، مقاومت سرسختانه‌ای در مقابل هرگونه مأموریت ضد موادمخدر ازسوی دولت افغانستان و نیروهای ائتلاف بین‌المللی را آغاز کردند و در نتیجه، مبارزه با قاچاق موادمخدر در این کشور به شدت با خشونت همراه شد. در سال‌های بین ۲۰۰۷ تا ۲۰۰۹ تعداد ۱۴۱۲ پلیس توسط ستیزه‌جویان ضد دولتی در افغانستان کشته شدند و تنها در سال ۲۰۰۹، تعداد ۶۳۹ نفر از نیروهای پلیس این کشور، به‌این ترتیب، جان خود را از دست داده‌اند (گزارش

دفتر مقابله با موادمخدر و جرم، ۲۰۱۱: ۲۳). این خشونت‌های بی‌پایان، جامعه را در یک وضعیت بحران امنیتی قرار می‌دهد و هر قدر که این فضای ناامنی تشدید شود، در نهایت، به سود گروه‌های تروریستی خواهد بود.

از سوی دیگر، قاچاق موادمخدر فساد گسترده‌ای را در میان طبقات مختلف جامعه به وجود می‌آورد که از قضا، در برخی از موارد، خود این بخش‌ها مسئولیت مقابله با آن را برعهده دارند و روشن است یک جامعه فاسد، یک محیط امن را برای تروریست‌ها مهیا می‌کند (ساکیر^۱، ۲۰۰۲: ۱۵). بنا به گزارش دبیر کل سازمان ملل، تروریست‌هایی که از فساد و سایر جرایم سازمان‌یافته فراملی سود می‌برند، می‌توانند مشروعیت دولت‌ها را تضعیف کنند و این امر می‌تواند پیامدهایی جدی را برای صلح و امنیت بین‌المللی به همراه داشته باشد. درآمدهای حاصل از جرایم، اغلب برای فساد کردن مقامات دولتی مورد استفاده قرار می‌گیرد و این امر، خود، موجب تضعیف حاکمیت قانون شده و راه را برای انجام اقدامات مجرمانه بیشتر و ایجاد یک زنجیره فساد فراهم و موجب تضعیف نهادهای دولتی شده و ثبات توسعه اقتصادی و حاکمیت دولت را تضعیف می‌کند (گزارش دبیر کل سازمان ملل، ۲۰۱۵). در حقیقت، وجود مقامات فاسد دولتی، تروریست‌ها را در کنترل مناطق کلیدی از جمله مسیرهای قاچاق و یا کنترل کسب و کارهای غیرقانونی برای انجام اقدامات غیرقانونی، جسورتر می‌کند.

بنا به گزارش دفتر مقابله با موادمخدر و جرم سازمان ملل متحد، تنها در سال ۲۰۱۰ بیش از ۲/۵ میلیارد دلار رشوه به مقامات دولتی افغانستان پرداخته شده است. در چنین جامعه‌ای که مقامات دولتی آن به شدت تحت تأثیر فساد بر گرفته از تجارت موادمخدر هستند، رشد و گسترش تروریسم تعجب‌برانگیز نخواهد بود. کارکرد قابل توجه موادمخدر در تضعیف جوامع از طریق گسترش اعتیاد در میان جوانان و نیز ایجاد فساد گسترده و خشونت‌ها و ناآرامی‌های داخلی، در مجموع، محیط مستعدی را برای فعالیت گروه‌های تروریستی ایجاد کرده و از این منظر، موجبات گسترش تروریسم را فراهم می‌کند.

د. کسب مشروعیت عمومی گروه‌های تروریستی از طریق حمایت از منبع امرار معاش کشاورزان فقیر

موضوع مهمی که در مبارزه با تروریسم و قاچاق موادمخدر نادیده گرفته می‌شود، این است که دخالت گروه‌های تروریستی در تجارت موادمخدر، منجر به دستاوردهای سیاسی و به‌طور خاص، کسب مشروعیت سیاسی خواهد شد؛ مشروعیتی که از طریق محافظت از تنها منبع معیشت مردم محلی در مقابل تلاش دولت‌ها برای نابودی کسب‌وکار غیرقانونی آنها حاصل می‌شود. آنها به‌طور مکرر، از طریق چانه‌زنی یا اجبار قاچاقچیان برای ارائه قیمت‌های بالاتر به کشاورزان، از آنها در برابر قاچاقچیان بی‌رحم محافظت می‌کنند و از طریق بهبود خدمات اجتماعی مانند ساخت درمانگاه‌ها و مراکز درمانی و سایر زیرساخت‌هایی که دولت برای آنها فراهم نکرده است، از آنها حمایت می‌کنند. آنها با ادعای داشتن حس نوع‌دوستی نسبت به مردم و با این توجیه که اگر دولت یا یک قدرت خارجی کسب‌وکار بومی غیرقانونی آنها را تهدید کند، با آنها مقابله خواهند کرد، حمایت مردمی را به دست می‌آورند. چنین مقبولیتی انگیزه کشاورزان بومی را برای خودداری از ارائه اطلاعات تروریست‌ها به نیروهای دولتی، به‌ویژه زمانی که نیروهای دولتی قصد نابودی منبع امرار معاش آنها را دارند، افزایش می‌دهد. واضح است که به دست آوردن چنین اطلاعاتی از طریق مردم محلی، یکی از ابزارهای کلیدی برای مقابله با گروه‌های تروریستی درگیر در موادمخدر محسوب می‌شود (فلباب براون^۱، ۲۰۰۶: ۳). در دهه گذشته، در برخی از مناطق تحت کنترل طالبان، به‌ویژه در ولایت‌های هلمند و قندهار، برخی از فرماندهان طالبان با این وعده که از مزارع خشخاش کشاورزان محافظت خواهند کرد و اجازه نخواهند داد که نیروهای ناتو و دولت افغانستان معیشت آنها را نابود کنند، کشاورزان را به کشت خشخاش ترغیب می‌کردند. نیروهای طالبان با حمله به نیروهای دولتی ریشه‌کن‌سازی موادمخدر، به‌طور منظم نابودسازی مزارع خشخاش را برای دولت سخت‌تر و پرهزینه‌تر می‌کردند و از این طریق، مشروعیت سیاسی و حمایت مردم بومی را به‌ویژه

1. Felbab Brown

از سوی کسانی که معیشت آنها با اقتصاد موادمخدر مرتبط بوده‌است، به‌دست می‌آوردند (آزامی^۱، ۲۰۱۵: ۲۳۷). کشاورزان موادمخدر که اغلب از قشر فقیر جامعه هستند، در انتخاب میان نیروهای دولتی که قصد نابودی منبع امرار معاش آنها را دارند و گروه‌های تروریستی که فارغ از وجود اشتراکات قومی - مذهبی با مردم بومی، از تنها منبع امرار معاش آنها حمایت می‌کنند، بی‌شک، گزینه دوم را برمی‌گزینند؛ به‌ویژه زمانی که امحای مزارع موادمخدر از سوی نیروهای دولتی با توسل به زور و بدون ارائه محصولات جایگزین یا مشوق‌های اقتصادی همراه باشد.

برای گروه‌های نارکوتروریستی، مقبولیت عمومی در میان مردمی که در قلمرو آنها زندگی می‌کنند، از اهمیت بالایی برخوردار است؛ چراکه با وجود چنین مشروعیتی، ایستادگی آنها درمقابل نیروهای دولتی، به‌مراتب آسان‌تر خواهد بود و فرمانبرداری مردم بومی از تصمیمات و اوامر غیرقانونی این گروه‌ها نیز تسهیل خواهد شد.

ه - عضوگیری گروه‌های تروریستی از میان کشاورزان و قاچاقچیان موادمخدر

علاوه‌بر تأمین مالی، تجارت موادمخدر در کشورهای تولیدکننده ظرفیتی را برای گروه‌های تروریستی به‌منظور جذب اعضا و هوادار در میان فقرا و کشاورزانی که می‌توانند برای کشت موادمخدر به تروریست‌ها کمک کنند، فراهم می‌آورد و درعین‌حال، جذب این اعضا به‌عنوان نوعی تبلیغ درمقابل دولت‌ها و گروه‌های ضد موادمخدر عمل می‌کند (رولینس و وایلر، ۲۰۱۲: ۱۰). در بسیاری از موارد، کشاورزان فقیر باتوجه‌به خدمات حمایتی و محافظتی‌ای که گروه‌های تروریستی درمقابل اقدامات قهری نیروهای دولتی به آنها ارائه می‌دهند، مجذوب شده و در کنار کشت موادمخدر، مشتاقانه به صفوف گروه‌های تروریستی می‌پیوندند. به‌عبارت‌دیگر، ارائه خدمات حمایتی ازسوی گروه‌های تروریستی به کشاورزان، نه‌تنها مقبولیت عمومی را برای آنها به‌همراه دارد بلکه جریان عضوگیری آنها را نیز تسهیل می‌کند. ازسوی دیگر، بسیاری از

قاچاقچیان و مجرمان موادمخدر نیز ممکن است در تعامل با گروه‌های تروریستی، به انگیزه‌ها و نظریه‌پردازی این گروه‌ها علاقمند شده و در این مسیر به عضویت گروه‌های تروریستی درآیند و براین اساس، زندان‌ها می‌توانند محیط بسیار مناسبی برای استخدام نیروهای جدید از میان مجرمان موادمخدری باشند که دوران محکومیت خود را سپری می‌کنند.

طبق گزارش تخصصی سال ۲۰۱۸ گروه ویژه اقدام مالی^۱ با عنوان «تأمین مالی عضوگیری برای اهداف تروریستی»، عضوگیری و اشاعه نظریه‌پردازی توسط تروریست‌ها در زندان‌ها و مراکز اصلاح و تربیت، به شدت در حال افزایش است. بر مبنای این گزارش، حتی در زمینه اقدامات عضوگیری برای گروه‌های تروریستی در زندان‌ها بودجه‌ای نیز در نظر گرفته شده است.^۲ بر اساس این گزارش، چندین نفر در سال ۲۰۱۵ به اتهام اشاعه نظریه‌های تروریستی در اسپانیا دستگیر شدند که دارای سابقه کیفری مرتبط با قاچاق موادمخدر بودند و در هنگام دستگیری نیز اقلامی مربوط به فعالیت‌های استخدامی داعش از آنها کشف و ضبط گردید. عضوگیری از مجرمان موادمخدری و یا کشت‌کنندگان موادمخدر، رویه‌ای معمول است و طالبان در افغانستان نیز به خوبی از آن بهره برده و بر شمار نیروهای خود افزوده است. با توجه به اهمیت فرآیند عضوگیری در تأمین نیروی انسانی و تقویت گروه‌های تروریستی، حضور پُررنگ گروه‌های تروریستی در قاچاق موادمخدر، از این حیث، غیر قابل انکار است.

و. موادمخدر ابزار ارتکاب عملیات‌های تروریستی انتحاری

به طور معمول، گروه‌های تروریستی چندان تمایلی به استفاده از موادمخدر در میان اعضای خود ندارند؛ اما برخی اوقات، سازمان‌های تروریستی از موادمخدر به عنوان نوعی ابزار تحریک‌کننده برای انجام اقدامات انتحاری و ترغیب نیروهای خود برای انجام این‌گونه اقدامات بر ضد دشمنان خود استفاده می‌کنند؛ چراکه مصرف موادمخدر، ارتکاب اقدامات انتحاری را تسهیل می‌کند (دورناگول، ۲۰۰۹: ۶۸). رهبران گروه‌های تروریستی با آگاهی از اینکه فشار

1. FATF

2. FATF Report, Financing of Recruitments for Terrorist Purposes, FATF Paris, January 2018, p. 4

روانی موجود در عملیات‌های انتحاری، احتمال شکست را افزایش می‌دهد، سعی می‌کنند تا از هر ابزاری برای کاهش بار روانی مزبور استفاده کنند و در این میان، استفاده از موادمخدر به‌ویژه مواد صنعتی توهم‌زا را به‌عنوان یک ابزار محرک مدنظر قرار می‌دهند.

براساس تحقیق انجام‌شده توسط یک انجمن داروسازی در عربستان درباره مصرف موادمخدر ازسوی تروریست‌ها، اعتیاد به قرص‌های روان‌گردان کپتاگون در میان تروریست‌های داعش موج می‌زند؛ برای مثال، گفته می‌شود که بمب‌گذاران انتحاری داعش، از جمله سلمان عابدی - تروریست عامل حملات شهر منچستر انگلیس - قبل از انجام حمله انتحاری، مقادیر زیادی از قرص‌های کپتاگون را مصرف کرده بودند و قرمزی چشم‌ها و حالت سرگیجه در آنها کاملاً مشخص بود. به‌نقل از کسانی که از این حمله جان سالم به‌دربرده بودند، فرد مهاجم مانند حیوانی وحشی بدون هیچ احساسی به مردم حمله می‌کرد. طبق این گزارش، این ماده مخدر فرد تروریست انتحاری را به یک «ماشین کشتار بی‌رحم» تبدیل می‌کند. آزمایش‌های سم‌شناسی بر روی ۷۵ عامل حملات تروریستی جهادی در اروپا بین سال‌های ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۸ نشان داده‌است که حداقل پنج مورد از آنها در روزها یا ساعت‌های قبل از ارتکاب حمله تروریستی از موادمخدر استفاده کرده‌اند (بصرا^۱، ۲۰۱۹: ۳).

نکته مهم دیگر، نقش انگیزه‌های اقتصادی برای اعضای گروه‌های تروریستی است؛ زیرا این افراد نه‌تنها به‌خاطر اهداف سیاسی - اعتقادی به گروه‌های تروریستی می‌پیوندند بلکه در این امر، انگیزه‌های اقتصادی نیز دارای اهمیت بسیاری است. برای برخی از تروریست‌ها که در خانواده‌های فقیر و بیکار رشد کرده‌اند، عضویت در یک سازمان تروریستی، شیوه‌ای برای کسب درآمد است؛ براین اساس، عضویت در یک گروه تروریستی دارای اولویت مالی است؛ زیرا آنها با پول به‌دست‌آمده از تجارت موادمخدر، برای خانواده فقیر خود، زندگی مرفه، سلامت و تحصیلات بهتری را مهیا می‌کنند. سازمان‌های تروریستی نیز برای حفظ و نگاه‌داشت اعضای خود در گروه، به پول بیشتری نیاز دارند و این مورد،

یکی از جنبه‌های مهم نقش موادمخدر در ارتکاب اقدامات تروریستی است (دورناگول، ۲۰۰۹: ۷۲-۷۳). درحقیقت، نقش انگیزشی موادمخدر برای تحریک اعضا و یا گرویدن به گروه‌های تروریستی در سال‌های اخیر بیش‌ازپیش نمایان شده‌است.

ز. استفاده گروه‌های تروریستی از موادمخدر به‌عنوان ابزار تأمین

تسلیحاتی

محدودیت‌های گروه‌های تروریستی در انجام معاملات مالی و انتقال پول، به‌ویژه پس‌از تصویب کنوانسیون مقابله‌با تأمین مالی تروریسم (۱۳۹۹) و الزامات قانونی دولت‌ها، به‌ویژه براساس قطع‌نامه ۱۳۷۳ مبنی‌بر ممنوعیت هرگونه همکاری و مراوده با گروه‌های تروریستی موجب شده‌است که گروه‌های تروریستی درگیر در قاچاق موادمخدر، به مقوله موادمخدر و عواید حاصل از آن، به‌عنوان ابزاری برای تهاجر و خرید اقلام موردنیاز خود، به‌ویژه در زمینه سلاح و مهمات بنگرند. دسترسی گروه‌های مجرمانه و تروریستی به سلاح، احتمال و شدت ارتکاب جرایم سازمان‌یافته به‌ویژه قاچاق موادمخدر را افزایش خواهدداد؛ به‌همین دلیل، جلوگیری از دستیابی این گروه‌ها به سلاح، به‌میزان قابل‌توجهی، توانایی آنها را در ارتکاب جرایم بین‌المللی کاهش می‌دهد و این امر، خود، نوعی پیشگیری وضعی از وقوع جرایم سازمان‌یافته فراملی محسوب می‌شود (حکیمی‌ها، ۱۳۹۵: ۱۱۷-۱۱۶). به‌زبان ساده‌تر، بین قاچاق موادمخدر و قاچاق سلاح، یک رابطه دوسویه وجود دارد؛ از یک‌سو، امکان قاچاق موادمخدر در مقیاس گسترده بدون سلاح امری غیرممکن است و ازسوی دیگر، عواید حاصل از فروش موادمخدر، به تأمین تسلیحاتی گروه‌های درگیر در قاچاق موادمخدر یاری می‌رساند.

به‌طورکلی، قاچاق موادمخدر از چند منظر به تأمین تسلیحاتی گروه‌های تروریستی یاری می‌رساند: اول، این گروه‌ها با فروش موادمخدر، منابع مالی لازم را برای خرید و تهیه سلاح از بازارهای غیرقانونی به‌دست می‌آورند. دوم، در بسیاری از مواقع، گروه‌های نارکوتروریستی از موادمخدر به‌عنوان نوعی ارز برای تهاجر و مبادله با سلاح استفاده می‌کنند؛ بدین‌شکل که به‌جای پرداخت پول

نقد، موادمخدر را در اختیار فروشندگان و دلان سلاح قرار می‌دهند؛ به‌عنوان مثال، در دسامبر ۱۹۸۸ نظامیان جامائیکا یک کشتی حاوی ۱۰ تن گونه‌های مختلف سلاح‌های سبک و گرم و خمپاره متعلق به فارک را توقیف کردند و بازجویی از متهمان نشان داد که فروشندگان کوکائین در کلمبیا با گروه تروریستی فارک برای تبادل سلاح در مقابل موادمخدر همکاری می‌کردند (ساب و تیلور^۱، ۲۰۰۹: ۴۶۰-۴۵۹). سوم، بسیاری از گروه‌های مجرمانه که در قلمرو سازمان‌های نارکوتروریستی فعالیت می‌کنند، در ازای اجازه فعالیت و یا محافظت، مجبور به دادن مالیات و یا پرداخت باج هستند که گهگاه به‌صورت عرضه سلاح صورت می‌گیرد. چهارم، موفقیت در قاچاق موادمخدر از سوی نارکوتروریست‌ها تاحدزیادی به تأمین تسلیحاتی آنها بستگی دارد؛ به‌نحوی که می‌توان ادعا کرد که اگر این سلاح‌ها در دستان آنها نبود، هرگز نمی‌توانستند در عرصه قاچاق موادمخدر تا این اندازه به فعالیت پردازند.

پاراگراف ۱۵ از فصل سوم گزارش کنفرانس سازمان ملل متحد در مورد تجارت غیرقانونی سلاح‌های سبک و کوچک در سال ۲۰۰۱ به‌صراحت به استفاده تروریست‌ها از این سلاح‌ها و ارتباط نزدیک تروریسم و قاچاق موادمخدر با تجارت غیرقانونی سلاح‌های سبک اشاره داشته و بیان می‌دارد که کشورها و سازمان‌های ذی‌صلاح منطقه‌ای و بین‌المللی باید برای مقابله با ارتباط تجارت غیرقانونی سلاح‌های سبک با قاچاق موادمخدر و تروریسم و جرایم سازمان‌یافته همکاری کنند (گزارش کنفرانس سازمان ملل متحد در مورد تجارت غیرقانونی سلاح‌های سبک و کوچک، ۲۰۰۱). گزارش سال ۲۰۲۱ کنفرانس نیز در مورد سلاح‌های سبک و کوچک، بر این نکته صحنه می‌گذارد که سلاح‌های سبک می‌توانند به‌عنوان ابزاری برای تسهیل فعالیت‌های قاچاق و یا کنترل مسیرهای قاچاق عمل کنند. به استناد این گزارش، سازمان ملل و دولت‌ها باید با پیوند سه‌گانه «ترور - جرم - سلاح» به‌عنوان یک تهدید امنیتی چندوجهی و مرتبط با یکدیگر که نیازمند واکنش‌ها و رویکردهای تکمیلی است، مقابله کنند و به‌منظور کشف و مقابله مؤثر با جابه‌جایی سلاح‌های سبک در امتداد مرزها،

کشورها باید امنیت و کنترل فراگیر مرزی و نقشه‌های مدیریتی و مشارکتی مؤثر را در بین همه نهادهای داخلی مربوطه توسعه داده و اجرایی کنند (گزارش کنفرانس سازمان ملل متحد در مورد تجارت غیرقانونی سلاح‌های سبک و کوچک، ۲۰۲۱). شورای امنیت سازمان ملل متحد نیز در قطع‌نامه ۲۳۷۰ خود در سال ۲۰۱۷ تأمین تسلیحاتی تروریسم به‌ویژه از طریق ارتکاب جرایم سازمان‌یافته از جمله قاچاق موادمخدر را محکوم کرده‌است.

باتوجه به اهمیت وجود سلاح در ارتکاب اقدامات تروریستی و کنترل مسیرهای قاچاق موادمخدر از سوی گروه‌های تروریستی، افزایش همکاری میان کشورها، ارتقای کنترل‌های مرزی، علامت‌گذاری و ثبت سلاح‌ها و پای‌بندی به تمامی تعهدات بین‌المللی مرتبط با پیشگیری از قاچاق سلاح‌های سبک، امری ضروری و اساسی است. به‌نظر می‌رسد که این پیوند سه‌گانه تروریسم، قاچاق موادمخدر و قاچاق سلاح، تازمانی که سودآوری و عرضه گسترده موادمخدر در مقیاس جهانی وجود دارد، امری ناگسستنی است.

اثرگذاری میزان تولید و قیمت موادمخدر بر میزان ارتکاب اقدامات

تروریستی

پس از بررسی کارکردهای گوناگون قاچاق موادمخدر در گسترش تروریسم بین‌المللی، پرداختن به این موضوع حائز اهمیت است که در کشورهای همچون افغانستان و کلمبیا که به‌عنوان پایگاه هردو پدیده مجرمانه تروریسم و تجارت موادمخدر شناخته می‌شوند، آیا می‌توان تناسبی را در میزان ارتکاب اقدامات تروریستی با حجم تولید و قیمت موادمخدر استنتاج کرد؟

در سال ۲۰۱۱ جیمز پیازا^۱ در تحقیقات خود درخصوص «مؤلفه پول نقد» که درآمد زیادی را نصیب گروه‌های تروریستی می‌کند و «مؤلفه هرج و مرج» که به بی‌ثباتی و هرج و مرج ناشی از مواد مخدر در جامعه اشاره می‌کند، سه فرضیه را مطرح نمود که حاکی شکل رابطه بین تجارت موادمخدر و فعالیت‌های تروریستی است (حمیدی‌کیا، ۱۳۹۱: ۷۹).

فرضیه اول: افزایش قیمت موادمخدر باعث افزایش ارتکاب اقدامات

تروریستی خواهد شد.

افزایش درآمد گروه‌های تروریستی ناشی از افزایش قیمت موادمخدر به آنها کمک می‌کند تا در زمینه‌هایی همچون عضوگیری، پرداخت دستمزد اعضا، تأمین تسلیحاتی، پرداخت رشوه به مأموران فاسد و مانند آن، پویاتر عمل کرده و در نهایت، حیطه عملیاتی خود را گسترش دهند. از لحاظ میزان تأثیر افزایش قیمت‌ها بر تروریسم، نتایج تحقیقات پیازا نشان می‌دهد که افزایش ۱۰۰ دلاری هر کیلوگرم از موادمخدر افیونی در بازارهای عمده‌فروشی در آمریکای شمالی و اروپای غربی، باعث ۴ حمله تروریستی بیشتر در سطح داخلی و نیز ۶ حمله تروریستی بیشتر در سطح فراملی در هر سال می‌شود. با هر افزایش ۱۰۰ دلاری در هر کیلوگرم کوکائین نیز کشورها ۸ حمله تروریستی داخلی بیشتر و ۱۵ حمله تروریستی فراملی بیشتر را تجربه کرده‌اند.

فرضیه دوم: افزایش تولید موادمخدر باعث افزایش ارتکاب اقدامات

تروریستی می‌شود.

تحقیقات پیازا نشان می‌دهد که تولید بیشتر موادمخدر موجب سود مالی بیشتر برای گروه‌های تروریستی درگیر در قاچاق موادمخدر می‌شود و با سود مالی بیشتر، در عمل، ارتکاب اقدامات تروریستی تسهیل می‌شود. براساس تحقیقات او، با افزایش صد هزار هکتاری کشت خشخاش، هر ساله، ۵ حمله تروریستی داخلی بیشتر و ۲ حمله تروریستی فراملی بیشتر و با افزایش صد هزار هکتاری کشت کوکائین، ۴ حمله تروریستی داخلی بیشتر و ۷ حمله تروریستی فراملی بیشتر می‌شود (پیازا، ۲۰۱۱: ۳۰۰).

فرضیه سوم: افزایش ریشه‌کن‌سازی و امحای موادمخدر موجب کاهش

ارتکاب اقدامات تروریستی می‌شود.

پیازا معتقد است که افزایش امحای موادمخدر از سوی نهادهای ضد موادمخدری موجب خواهد شد که گروه‌های نارکوتروریستی یا گروه‌های قاچاق موادمخدر، حداقل در کوتاه‌مدت، بخش زیادی از منابع تأمین مالی خود را از دست بدهند و کمبود منابع مالی نیز در عمل، امکان ارتکاب اقدامات

تروریستی را کاهش می‌دهد. طبق تحقیقات پیازا، با انجام اقدامات ریشه‌کن‌سازی برای هر صد هزار هکتار از مزارع خشخاش، از نگاه آماری، انتظار می‌رود که ۳/۷ مورد در تروریسم داخلی و ۲/۳ مورد در تروریسم فراملی در هر سال کاهش یابد. همچنین، ریشه‌کن‌سازی هر صد هزار هکتار از مزارع کوکائین ۰/۵ مورد کاهش در تروریسم داخلی و فراملی را نشان می‌دهد و برای هر ۱۰۰۰ تن مواد مخدر افیونی کشف‌شده، کشورها باید ۲ حمله تروریستی داخلی کمتر و ۶ حمله تروریستی فراملی کمتر را تجربه کنند. برای هر ۱۰۰۰ تن کوکائین کشف‌شده نیز کشورها باید ۰/۸ حملات تروریستی داخلی کمتر و ۲ حمله تروریستی فراملی کمتر را تجربه کنند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که تأثیرات ریشه‌کن‌سازی و کشف کوکائین بر تروریسم خیلی کمتر از خشخاش است (پیازا، ۲۰۱۱: ۳۰۰-۳۰۳).

گزارش سال ۲۰۲۳ دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم سازمان ملل، تاحدود زیادی، فرضیه سوم پیازا را تأیید می‌کند؛ طبق این گزارش، افغانستان که برای سال‌ها بیش از ۸۵ درصد از تولید خشخاش دنیا را در اختیار داشته‌است، با صدور فرمان ممنوعیت کشت مواد مخدر از سوی طالبان در سال ۲۰۲۲، جای خود را در صدر فهرست به کشور میانمار داده‌است. براساس این گزارش، کشت خشخاش در سال ۲۰۲۲ در افغانستان ۶۲۰۰ تن بوده‌است که در سال ۲۰۲۳ به ۳۳۳ تن کاهش یافته‌است. اراضی تولید خشخاش افغانستان نیز از ۲۳۳۰۰۰ هکتار در سال ۲۰۲۲ به ۱۰۸۰۰ هکتار در سال ۲۰۲۳ کاهش داشته‌است. قیاس شرایط سیاسی فعلی افغانستان با آمار تولید مواد مخدر این کشور نشان می‌دهد که امحای مواد مخدر در سال ۲۰۲۳ با کاهش چشمگیر اقدامات تروریستی در این سال در افغانستان منطبق بوده‌است (گزارش دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم سازمان ملل، ۲۰۲۳).

با ارزیابی وضعیت افغانستان در سال‌های اخیر، یافته‌های مناسبی در خصوص پیوند تروریسم و مواد مخدر به‌دست می‌آید: اول، کشت مواد مخدر در افغانستان، بخش جدایی‌ناپذیر از اقتصاد افغانستان را تشکیل می‌دهد. بر اساس ارزیابی دفتر مبارزه با مواد مخدر و جرم سازمان ملل در سال ۲۰۲۳ از

وضعیت موادمخدر افغانستان، ارزش تخمینی صادرات مواد افیونی افغانستان در سال ۲۰۲۲ بین ۱/۴ تا ۲/۷ میلیارد دلار معادل ۹ تا ۱۴ درصد از تولید ناخالص ملی این کشور بوده‌است (گزارش دفتر مقابله‌با موادمخدر و جرم سازمان‌ملل، ۲۰۲۳). دوم، ولایاتی از افغانستان که سطوح کشت و تولید موادمخدر بالاتری دارند، به‌همین‌اندازه، نرخ بالاتری از ارتکاب اقدامات تروریستی را تجربه می‌کنند. براساس این ارزیابی، ولایاتی همچون قندهار، بدخشان، زابل، فاریاب و ننگرهار درمقایسه‌با ولایات عاری از موادمخدر مانند پنجشیر و بامیان، نابه‌سامانی‌های امنیتی به‌مراتب بیشتری را تجربه کرده‌اند. جمهوری اسلامی ایران نیز به‌عنوان شاهرخ ترانزیت موادمخدر افغانستان با این معضل روبه‌رو است؛ به‌نحوی که استان‌های سیستان و بلوچستان و خراسان جنوبی به‌دلیل هم‌جواری با افغانستان و حضور مداوم قاچاقچیان موادمخدر و گروه‌های تروریستی به نسبت سایر استان‌ها، بیشتر در معرض تهدیدهای نارکوتروریست‌ها قرار دارند. براساس گزارش سال ۲۰۲۱ دفتر مقابله‌با موادمخدر و جرم سازمان‌ملل، ۹۰ درصد کشف تریاک دنیا، ۷۲ درصد مرفین و ۲۰ درصد هروئین دنیا در سال ۲۰۱۹ به‌تنهایی از سوی ایران انجام شده‌است.^۱ سوم، با توجه به کارکرد مستقیم موادمخدر در رشد گروه‌های تروریستی در افغانستان، می‌توان ادعا نمود که میزان کشت و تولید موادمخدر به‌عنوان یک شاخص مستقل برای پیش‌بینی ارتکاب اقدامات تروریستی و حتی قوی‌تر از سایر شاخص‌های پیش‌بینی تروریسم از جمله شاخص‌های اجتماعی، اقتصادی، جمعیتی، جغرافیایی، مذهبی، فرهنگی و امنیتی عمل می‌کند. چهارم، ارتباط میان تولید موادمخدر و فعالیت‌های تروریستی در ولایت‌های افغانستان، به‌جای هم‌بستگی فقط یک ارتباط مبتنی بر علت و معلول است؛ یعنی هر مورد بر دیگری اثر تقویت‌کنندگی دارد.

1. United Nations Office on Drug and Crime, World Drug Report, 2021

روش‌شناسی

پژوهش کاربردی حاضر، دارای ماهیتی توصیفی - تحلیلی است و از طریق مطالعات کتابخانه‌ای و استفاده از اسناد بین‌المللی به‌ویژه قطع‌نامه‌ها و گزارش‌های سازمان‌های وابسته به سازمان ملل متحد، به بررسی کارکردهای موادمخدر در گسترش تروریسم بین‌المللی و ارتباط گروه‌های تروریستی با گروه‌های قاچاق موادمخدر پرداخته‌است.

یافته‌ها

موادمخدر و فرآیند قاچاق آن، نقش مهمی را در گسترش تروریسم بین‌المللی ایفا می‌کند. مبتنی بر تحقیقات انجام‌شده، پژوهشگران معتقدند که موادمخدر هم از نگاه کیفی - یعنی تسهیل تروریسم - و هم از نظر کمی - یعنی تأثیرگذاری بر کمیت و میزان ارتکاب اقدامات تروریستی - در گسترش تروریسم بین‌المللی اثرگذار است؛ براین اساس، در خصوص آثار پیوند تروریسم و موادمخدر، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- ۱- پیوند میان تروریسم و قاچاق موادمخدر به یک تهدید جدی ضد امنیت ملی و بین‌المللی تبدیل شده‌است؛
- ۲- پیوند میان گروه‌های تروریستی و قاچاقچیان موادمخدر، مبتنی بر منافع متقابل بوده‌است؛
- ۳- در پیوند میان تروریسم و قاچاق موادمخدر، اثر تقویت‌کنندگی متقابل مشهود است؛ به‌نحوی که هریک از این دو پدیده، موجب تقویت و رشد دیگری شده‌است؛
- ۴- هم‌زیستی تروریست‌ها و قاچاقچیان موادمخدر و تعامل آنها با یکدیگر، یک محیط مجرمانه مناسب را برای رشد هر دو گروه در کشورهای موادمخدری ایجاد کرده‌است؛
- ۵- عواید حاصل از قاچاق موادمخدر، اصلی‌ترین کارکرد موادمخدر در رشد تروریسم محسوب می‌شود؛

- ۶- به‌موجب قطع‌نامه‌های ۲۱۹۵ و ۲۴۸۲ شورای امنیت، قطع پیوند تروریسم و قاچاق موادمخدر و ترکیب روش‌های حقوقی بین‌المللی ضد تروریسم و ضد موادمخدر، اصلی‌ترین تعهد دولت‌ها درمقابله‌با نارکوتروریسم محسوب می‌شود؛
- ۷- تجربه دولت‌ها درمقابله‌با نارکوتروریسم نشان می‌دهد که هیچ دولتی نمی‌تواند به‌تنهایی درمقابله‌با نارکوتروریسم موفق باشد و این امر نیازمند همکاری همه دولت‌هاست.

بحث و نتیجه‌گیری

تروریسم و قاچاق موادمخدر، در حال حاضر، هر یک به‌طور مستقل، به یک چالش جدی برضد صلح، ثبات و امنیت ملی و بین‌المللی تبدیل شده‌اند و تلاش‌های جهانی در راستای مقابله‌با تروریسم و موادمخدر، نه‌تنها با موفقیت قطعی همراه نبوده‌است بلکه در عمل، مجموعه‌ای از علت‌ها موجبات پیوند این دو پدیده مجرمانه را فراهم آورده‌است. طالبان در افغانستان، فارک در کلمبیا، پ. ک. ک. در ترکیه و بسیاری از گروه‌های تروریستی دیگر، با مشارکت فعال در تجارت موادمخدر، گونه‌ای نوظهور از تروریسم با نام «نارکوتروریسم» را نمایندگی می‌کنند. ارتکاب اقدامات تروریستی و حیات و تداوم فعالیت گروه‌های تروریستی، به‌طور حتم، پُر هزینه است و در این راه، رهبران این گروه‌ها به‌عنوان بازیگران منطقی، ساده‌ترین و پرسودترین راهکار را برای تأمین مالی خود برمی‌گزینند.

مداخله در جریان قاچاق موادمخدر، تا حد زیادی، موجبات تأمین مالی گروه‌های تروریستی را فراهم می‌کند. تأمین مالی تروریسم، اصلی‌ترین کارکرد موادمخدر در تقویت گروه‌های تروریستی است؛ اما تنها دلیل نیست. در واقع، گروه‌های تروریستی و قاچاق موادمخدر، هردو، به‌عنوان بازیگران غیرقانونی در یک محیط مجرمانه کاملاً به این واقعیت پی برده‌اند که درمقابله‌با دشمنی مشترک با نام «دولت‌ها» نیازمند همکاری با یکدیگرند و می‌توانند در یک هم‌زیستی مجرمانه، نیازهای یکدیگر را برطرف کنند. موادمخدر عامل پیونددهنده تروریسم و قاچاق موادمخدر محسوب شده و کانون مرکزی

همکاری‌های گروه‌های تروریستی و قاچاق موادمخدر محسوب می‌شود. ایجاد اعتیاد و فساد گسترده در جوامع، کسب خدمات تخصصی، پشتیبانی و اطلاعاتی از گروه‌های قاچاق موادمخدر، عضوگیری، کسب مشروعیت مردمی و استفاده از مصرف موادمخدر جهت تحریک ذهنی اعضا به ارتکاب عملیات‌های انتحاری، از دیگر کارکردهای موادمخدر در تقویت گروه‌های تروریستی است.

در کشورهای موادمخدوری همچون افغانستان که به شدت تحت تأثیر حکمرانی نامطلوب، فقر مطلق و نقض فاحش حقوق بشر هستند، ارتباط معنی‌داری بین موادمخدر و تروریسم وجود دارد. در این کشورها، وضعیت موادمخدر در کنار عوامل اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و امنیتی، خود، به‌عنوان یک متغیر مستقل و شاخص پیش‌بینی‌کننده از میزان احتمال ارتکاب اقدامات تروریستی عمل می‌کند؛ به نحوی که تولید بیشتر موادمخدر نرخ بالاتری از ارتکاب عملیات‌های تروریستی را به همراه دارد و برعکس؛ تولید کمتر یا امحای بیشتر مزارع موادمخدر، موجب کاهش میزان تروریسم در مقیاس ملی و فراملی می‌شود. قطع سود گروه‌های تروریستی از مزایای چندگانه قاچاق موادمخدر، آن‌چنان که در قطع‌نامه‌های ۲۱۹۵ و ۲۴۸۲ شورای امنیت سازمان ملل مورد تأکید قرار گرفته است، در حال حاضر، بیش از هر زمان دیگری ضروری به نظر می‌رسد؛ چراکه نظر به کارکرد چندگانه قاچاق موادمخدر در رشد و تقویت تروریسم بین‌المللی، این تجارت غیرقانونی با سودآوری هنگفت خود، در عمل، به اولویت اصلی گروه‌های تروریستی تبدیل شده است. با توجه به نقش غیرقابل انکار موادمخدر در رشد تروریسم بین‌المللی، می‌توان ادعا کرد که مقابله با قاچاق موادمخدر به‌عنوان یک پیش‌شرط در مقابله با تروریسم محسوب شده و مبارزه جهانی با تروریسم و قاچاق موادمخدر با یکدیگر هم‌سو و هم‌گرا شده‌اند.

پیشنهادهای کاربردی

براساس نتایج پژوهش حاضر، پیشنهاد می‌شود که دولت‌ها به‌ویژه جمهوری اسلامی ایران که به‌علت هم‌جواری با بزرگ‌ترین کشور تولیدکننده موادمخدر در جهان - یعنی افغانستان - در کانون تهدیدهای تروریسم و قاچاق

موادمخدر قرار دارد، نارکو تروریسم یا تروریسم موادمخدری را به‌عنوان یک جرم مستقل در قوانین داخلی خود جرم‌انگاری نموده و با همکاری با سایر کشورها به‌ویژه کشورهای همسایه، گام‌های جدی‌تری را درمقابله‌با این پدیده بردارد. بدون شک، آگاهی‌رسانی به مردم درخصوص نقش مصرف موادمخدر در تأمین مالی غیرمستقیم تروریسم، همکاری و تبادل اطلاعات میان کشورها و ارگان‌های داخلی در مبارزه با تروریسم و قاچاق موادمخدر، ارتقای کنترل و نظارت بر مرزها و ظرفیت‌سازی و توانمندسازی کشورها از طریق دریافت کمک‌های فنی و اطلاعاتی ازسوی نهادهای بین‌المللی به‌ویژه پلیس بین‌الملل و دفتر مقابله‌با موادمخدر و جرم سازمان ملل متحد و به‌طورخاص، ارتقای حکمرانی مطلوب دولت‌ها و مقابله‌با نقض شدید موازین حقوق بشر، به‌ویژه فقر مطلق که عامل اصلی گرایش کشاورزان به کشت موادمخدر است، از مهم‌ترین پیش‌شرط‌های مقابله‌با انتفاع گروه‌های تروریستی از موادمخدر محسوب می‌شود.

تقدیر و تشکر

این مقاله برگرفته‌از رساله دکتری است و در نگارش آن، از هیچ حمایت مالی‌ای استفاده نشده‌است؛ اما پژوهشگران بر خود لازم می‌دانند که از تمامی افرادی که به‌نحوی در به‌ثمر رسیدن این پژوهش، یاری‌رسان بوده‌اند، تقدیر و تشکر کنند.

فهرست منابع

- حکیمی‌ها، سعید. (۱۳۹۵). ارزیابی حدود تعهد دولت‌ها به پیشگیری و همکاری در مبارزه با جرایم بین‌المللی با تأکید بر معاهده تجارت تسلیحات. فصلنامه مطالعات حقوق عمومی. ۴ (۴۶)، ۱۰۰۳-۱۰۲۶.
https://jplsq.ut.ac.ir/article_60527_81c933cf631885b71377ec979bbaeddf. Pdf
- جلالی، محمود؛ حیدرقلی‌زاده، حیدر؛ مقیمی، مهدی. (۱۳۹۶). تروریسم مواد مخدری و رویکرد پیشگیرانه حقوقی جهانی و جمهوری اسلامی ایران در مقابله با آن. فصلنامه مطالعات سیاسی، ۱۰ (۳۷)، ۱۲۵-۱۴۴.
https://journals.iau.ir/article_536906_a5c53a8f5f7a497477e882d3e0371749. Pdf
- حمیدی‌کیا، غلامرضا. (۱۳۹۱). قاچاق مواد مخدر و استراتژی‌های مبارزه با مواد مخدر و تروریسم. فصلنامه علمی مطالعات مبارزه با مواد مخدر، ۱۴، ۷۷-۹۱.
http://dles.jrl.police.ir/article_12699_0a3bb23a64be136e222b59e54e80f840. Pdf
- ذاکری، مهدخت. (۱۳۹۸). ناکوتوروریسم تهدیدی مشترک بر ضد امنیت انسانی و ملی کشورهای جنوب غرب آسیا. تهران. مرکز بررسی‌های استراتژیک نهاد ریاست جمهوری
- شریف‌زاده، زهرا؛ میرکوشش، امیر هوشنگ. (۱۳۹۹). ناکوتوروریسم و تأثیر آن بر چندجانبه‌گرایی کشورهای آسیای مرکزی، مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی، ۳ (۶)، ۱۸۹-۲۱۲.
https://jpir.journals.umz.ac.ir/article_2741_339376ebf6bc5d50a460b6259dcfc86a.pdf?lang=en
- شمس‌ناتری، محمدابراهیم؛ اسلامی، داوود. (۱۳۹۴). ماهیت کیفری تأمین مالی تروریسم. مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی، ۲ (۴-۵)، ۲۵۷-۲۸۶.
https://jqclcs.ut.ac.ir/article_59074_906492d7b54338b74ddd76fd4a5f77aa. Pdf
- عارفی‌مسکونی، محمد؛ نجفی‌توانا، علی؛ شاملو، باقر. (۱۳۹۸). تأثیر قاچاق مواد مخدر بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، ۹ (۳)، ۱۰۵-۱۲۳.
<http://priw.ir/article-1-1084-fa>. Pdf

- قهرمانی افشار؛ نیوشا، علیزاده؛ قلیلو، سعید. (۱۳۹۴). بررسی جرایم سازمان‌یافته با تأکید بر قاچاق موادمخدر و راهکارهای پیشگیری از آن. سیاست اجتماعی و اعتیاد، ۷(۲۷): ۱۲۳-۱۵۰
- http://dles.jrl.police.ir/article_12699_0a3bb23a64be136e222b59e54e80f840.Pdf
- هنرجو، امین؛ مهکویی، حجت؛ مومنی، مهدی؛ گندمکار، امیر. (۱۴۰۱). تحلیلی بر وضعیت مرزهای زمینی بین‌المللی در منطقه هلال طلایی درمقابل‌با قاچاق موادمخدر. جغرافیا و برنامه‌ریزی منطقه‌ای، ۱۲ (۴)، ۱۰۵۵-۱۰۷۹.
- https://www.jgeogeshm.ir/article_156061_2889f1f49d66ee127440464582a3675c.pdf
- گلیجانی مقدم، حامد؛ شریفی طراز کوهی، حسین؛ تقی‌زاده انصاری، مصطفی. (۱۴۰۰). مقابله با نارکو تروریسم در حقوق بین‌الملل. فصلنامه مطالعات راهبردی ناچا، ۶ (۲۱)، ۸۵-۱۳۰.
- http://ssj.jrl.police.ir/article_97995_de8494fe7def11bc3c402873545d0f80.Pdf
- گلیجانی مقدم، حامد؛ شریفی طراز کوهی، حسین؛ تقی‌زاده انصاری، مصطفی؛ نیاورانی، صابر. (۱۴۰۲). نگرشی بر برآیندهای گروه‌های تروریستی و گروه‌های مجرمانه سازمان‌یافته فراملی. فصلنامه علمی مطالعات بین‌المللی پلیس، ۱۴ (۵۵)، ۳۰-۹.
- http://interpol.jrl.police.ir/article_101821_ab5bed0957a01d24a7c992e9ec2fac73.Pdf
- نساج، حمید؛ نظری، مینا؛ پوررنجبر، مهدیه. (۱۳۹۴). شناسایی و تأمین مالی داعش. فصلنامه حبل‌المتین، ۱۱(۴۲): ۳۷-۵۵.
- <https://ensani.ir/file/download/article/20160306144852-10029-153.pdf>
- هاشمی، سکینه؛ محمدی، زهرا. (۱۳۹۸). قاچاق موادمخدر و خشونت‌های تروریستی در آسیای مرکزی، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، ۱۰۶، ۱۵۹-۱۸۲
- http://ca.ipisjournals.ir/article_37185_e2cf5a20ecd64234d1af0d73d1f9a4cf.pdf
- Aguilera, A. (2022). The Link Between Terrorism and Drug Trafficking in Africa. *Revista Internacional de Estudios Sobre Terrorismo*, Issue 7, 34-62.
- https://rietjournal.org/wp-content/uploads/2023/01/EN_RIET_2022_N7_The-link-between-terrorism-and-drug-trafficking-in-Africa_ana-aguilera_art3.Pdf

- Azami, Dawood. (2015). The politics of drugs and conflict: the challenges of insurgency and state-building in Afghanistan. [A Thesis Submitted for the Degree of Doctor Philosophy], University of Westminster, London, 1-376.
<https://doi.org/10.34737/9qx75>
- Basra, Raja. (2019). Drugs and Terrorism: The Overlaps in Europe, European Monitoring Centre for Drugs Addiction. ICES King's College London, Strand London WRY ELLS United Kingdom, 1-56.
<https://icsr.info/wp-content/uploads/2019/11/ICSR-Report-Drugs-and-Terrorism-The-Overlaps-in-Europe.pdf>
- Cakir, Reha. (2002). An Unholy Alliance: Case Studies in NarcoTerrorism. [Master Thesis of Science Criminal Justice], University of North Texas, 1-120.
https://digital.library.unt.edu/ark:/67531/metadc3264/m2/1/high_res_d/Thesis.pdf
- Charles, Robert B. (2002). Narcotics and Terrorism Series Consulting. Editor: Larry C. Johnson, CEO, BERGA Associates, ILC, Washington Dc. ISBN0-7910-7701-2, 1-126.
- Dishman, Chris. (2005). The Leaderless Nexus: When Crime and Terror Converge. *Studies in Conflict and Terrorism*, 28(3), 237-252.
<https://doi.org/10.1080/10576100590928124>
- Durnagol, Engin. (2009). The Role of Drugs in Transnational Organized Crime. *Ankara Bar Review*, 2(2), 46-80.
<https://dergipark.org.tr/en/download/article-file/787388>
- FATF Report, "Financing of Recruitment for Terrorist Purposes", FATF Paris, (January 2018).
- Felbab Brown, Vanda. (2006). Better Strategy Against Narco Terrorism. MIT Center for International Studies of the Conventional Wisdom, Massachusetts Institute of Technology Typology, *Studies in Conflict & Terrorism*.
https://cis.mit.edu/sites/default/files/images/Audit_01_06_Vanda.Pdf
- JeetKaur, Kamal. (2016). NarcoTerrorism: A Social Legal Study with Special Reference to State of Punjab. [A Thesis Submitted on Naval Post Graduate School], Monterey, California, 1-233.
- Hutchinson, Asa. (2002). Transnational Drug Trafficking and Terrorism, Testimony Before the Senate Judiciary Committee Subcommittee on Technology, Terrorism and Government Information.
[https://www.judiciary.senate.gov/imo/media/doc/Statement%20for%20the%20Record%20from%20Governor%20Asa%20Hutchinson%20\(6.22.21\).pdf](https://www.judiciary.senate.gov/imo/media/doc/Statement%20for%20the%20Record%20from%20Governor%20Asa%20Hutchinson%20(6.22.21).pdf)

- Kleiman, Mark. A. (2004). *Illicit Drugs and The Terrorist Threat: Casual Links and Implications for Domestic Drug Control Policy*. CRS Report for Congress, 1-20.
<https://irp.fas.org/crs/RL32334.pdf>
- Makarenko, Tamara. (2004). *The Crime-Terror Continuum: Tracing the Interplay Between Transnational Organized Crime and Terrorism*. *Global Crime*, 6(1), 129-145.
<https://doi.org/10.1080/1744057042000297025>
- Minakawa, M. (2023). *Terrorism and Drug Trafficking, Problems with the International Legal Framework on Drug Control*. *Nagoya Gakuin University Social Sciences*, 67-83.
- Piazza, James. A. (2011). *The Illicit Drug Trade, Counter Narcotics Strategies and Terrorism*. *Public Choice*, 141(3-4), 297-314.
DOI:10.1007/s11127-011-9846-3
- Rana, Reem; Kleopatra, Modisti. (2017). *The Linkage Between Illicit Drug Trafficking and Terrorist Groups, Old Dominion University Model United Nations (ODUMUNK), First Committee: Disarmament and International Security*, 1-9.
<https://www.odu.edu/content/dam/odu/offices/mun/2017/ib-2017-first-drugs-and-terrorism.pdf>
- Rollins, John, Wyler, Lynal Sun. (2010). *International Terrorism and Transnational Crime: Security Threats, U. S Policy and Consideration for Congress* Congressional Research Service, 1-35.
https://www.everycrsreport.com/files/20100318_R41004_c738989305b7d61d5e3b080dc39139b5344cee2d.pdf
- Saab, Bilal. Y. , Taylor, Alexandra. W. (2009). *Criminality and Armed Groups: A Comparative Study of FARC and Paramilitary Groups in Colombia*. *Studies in Conflict and Terrorism*, 32(6), 455-475.
<https://doi.org/10.1080/105761009028925>
- Singh, A. (2024). *Narco Terrorism: An Emerging Threat to National Security in Reference to Jammu and Keshmir*. *Educational Administration: Theory and Practice*, 30(5), 490-499.
<https://kuey.net/index.php/kuey/article/view/4192/2792>
- Report of the Secretary General, *Threat of Terrorists Benefiting from Transnational Organized Crime*, S/2015/306, 21 May 2015, Para. 48-49
- Report of the Secretary-General, *Threat of terrorists benefiting from transnational organized crime*”, S/2015/366, (21 May 2015)

- Report of Secretary General on Small Arms and Light Weapons, S/2021/839, (30 September 2021)
- Report of the United Nations Conference on the illicit trade in small arms and light weapons in all its aspects, A/CONF. 192/15, (2001)
- United Nations Office on Drug and Crime, World Drug Report, 2023
- UNODC, World Drug Reports (Fifthe Part): The Drug Problem and Organized Crime, Illicit Financial Flows, Corruption and Terrorism”, (2017)
- UNODC, Afghanistan Opium Survey, 2023
- UNODC, World Drug Report, 2011
- UNODC, World Drug Report, 2017
- UNODC, World Drug Report, 2021
- UNODC, World Drug Report, 2023

